



متخلق شدن مبتنی بر روش‌های تجویزی است نه توصیفی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت: ما متخلق شدن داریم نه متخلق کردن. متخلق شدن از خود فرد می‌جوشد در حالی که متخلق کردن یعنی تأثیر بیرونی تا فردی منفعلانه اخلاقی شود.

استاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت: ما متخلق شدن داریم نه متخلق کردن. متخلق شدن از خود فرد می‌جوشد در حالی که متخلق کردن یعنی تأثیر بیرونی تا فردی منفعلانه اخلاقی شود.

به گزارش خبرنگار مهر، حمیدرضا آیت اللهی استاد بازنشسته فلسفه دین دانشگاه علامه طباطبائی در نشست «ارتقا اخلاق و تعاملات دینداری» در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران درباره «چالش‌های متخلق شدن» به ارائه سخن پرداخت.

در ادامه گزارشی از این سخنرانی ارائه می‌شود.

برای آنکه جامعه ای اخلاقی داشته باشیم و یا برنامه ای برای ارتقا اخلاقی در دانشگاه تنظیم کنیم با برخی چالش‌ها روبرو خواهیم بود که در این نوشتار به دسته ای از این چالش‌ها که از آن به عنوان چالش‌های متخلق شدن تعبیر شده است اشاره می‌گردد.

۱- چرا متخلق و نه اخلاقی

عنوانی که من برای صحبت‌هایم گذاشته‌ام چالش‌های متخلق شدن است. تخلق به اخلاق با آموزش اخلاق فرق می‌کند اخلاق می‌تواند در حوزه نظری باشد، اما تخلق امری است که در درون افراد نهادینه شده است. کار اصلی ما متخلق کردن افراد به ملکات اخلاقی مثل صبر، شکر، صداقت است و نه آموزش نظری آنها. برای این که امری به صورت ملکه در بیاید نوع مداخلات فرق اساسی با آموزش اخلاق دارد.

۲- تربیتی و نه آموزشی

مسئله دیگر این است که اخلاق یک نوع کار تربیتی است، اخلاق با آموزش تنها محقق نمی‌شود. آموزش عهده دار تغییر درونی افراد نمی‌شود در حالی که تربیت بدنبال تغییر درونی افراد است.

۳- عقل عملی و نه عقل نظری

ما یک عقل عملی داریم یک عقل نظری. افرادی مانند هیوم و مور در جریان تاریخ فلسفه اعتقاد دارند اصلاً عقل عملی احکام مختص خود را دارد و عقل نظری هم همین طور و این دو به یکدیگر ارتباط پیدا نمی‌کنند. اگر چه من بشخصه این مغایرت تام را قبول ندارم ولی دیدگاه هیوم به درستی تلازم تام این دو را (مخصوصاً آنگونه که افلاطون معتقد بود) نفی می‌کند و نشان می‌دهد این دو حوزه فضاهای متفاوتی را دارند. حتی نوشتن طرحنامه برای ارتقا اخلاقی خود در محدوده عقل نظری است و باید به این تمایز دقت کرد. بنابراین نوع کارهایی که در عقل عملی داریم و نوع برنامه‌ها و نوع ارزیابی‌ها که در عقل عملی است باید با نوع ارزیابی‌ها و کارهایی که در عقل نظری می‌کنیم متفاوت باشد. نمره درس اخلاق کسی اگر بیست شود معلوم نیست که متخلق هم باشد.

۴- مبتنی بر روش‌های تجویزی و نه توصیفی

متخلق شدن مبتنی بر روش‌های تجویزی است نه روش‌های توصیفی. در متخلق شدن ما باید بیندیشیم که چه تجویزی را انجام دهیم که اساتید صداقت بیشتری داشته باشند. خیلی وقت‌ها ما در همان سطح مسائل توصیفی می‌مانیم. مثلاً در شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌ها از وضعیت اخلاقی گروه یا جامعه اشکال گرفته می‌شود و با آمار یا مواردی نشان داده می‌شود که چه مقدار بی اخلاقی در جامعه وجود دارد (مثل جوک‌های سیاه). این نتایج آماری کاری توصیفی است و ذکر آن باعث تعاملی اثر گذار برای متخلق شدن افراد جامعه نمی‌شود. آنچه مهم است این است که چه کاری باید انجام دهیم تا پدیده ای زشت در جامعه (مثل عادت به طرح جوک‌های سیاه) کم شود و یا صفتی

نیکو در آن رشد یابد. شما بپایید یک راه تجویزی بدهید که مردم جوک سیاه نگویند برخی کارشان شده غرغر کردن؛ و خیال می کنند دارند افراد را متخلق می کنند. این نوع کارها نمی تواند تأثیری در اخلاقی شدن جامعه داشته باشد. در دانشگاه هم با این مسائل مواجه هستیم مثلاً می گویند وضعیت حجاب در دانشگاه خوب نیست. این یک توصیف است، اما سوال این است که ما اگر بخواهیم حجاب را در دانشگاه افزایش دهیم چه راه حل های تجویزی وجود دارد (که قابل ارزیابی باشد)؟ ما به عنوان اساتید دانشگاه بیشتر تمایل به همان مباحث توصیفی داریم؛ ما باید از این فضای توصیفی عبور کنیم تا بتوانیم در فضای تجویزی کار کنیم.

۵- نقش انتخاب و اختیار در متخلق شدن

نکته بعدی در متخلق شدن این است که متخلق شدن ارتباط بسیاری با انتخاب و اختیار دارد. اخلاق باید توسط دانشجو استاد و دیگر افراد انتخاب شود. اگر دانشجو از ترس یا حتی از روی عادت یک کار اخلاقی خوب انجام دهد یا کار اخلاقی بد را انجام ندهد، باید او را به جهتی سوق دهیم که خودش مختارانه رفتارهای اخلاقی از خود نشان دهد. متأسفانه ما افراد را به سمت رفتار اخلاقی وادار می کنیم این با اخلاق سازگار نیست. تمام کارهایی که می خواهیم در زمینه اخلاق انجام دهیم باید در شرایطی باشد که آزادی عمل به طرف مقابل داده شود. اگر یک نفر استاد در دانشگاه تقلب علمی نکرد وقتی اخلاقی می شود که اجبارهای بیرونی تأثیر اصلی را در آن نداشته باشد. اما اگر بخاطر برخی آئین نامه ها و کیفرها استادان تقلب علمی نکنند در آن صورت تخلق صورت نگرفته است. پس ما تا آنجا که می توانیم باید کاری بکنیم که این انتخاب در افراد تحقق پیدا کند، یعنی با این که افراد می توانند تقلب علمی کنند خودشان نپسندند که تقلب کنند. این یعنی بجای روش های توبیخی باید روش های تقویت اراده فرد مورد توجه قرار گیرد. فرق رویکرد تقویت اراده فرد با رویکرد تنبیه و توبیخ در این است که دومی بدنبال رفتار اخلاقی با انتخاب فرد است نه نتیجه آن یعنی انجام رفتاری ظاهراً اخلاقی.

۶- متخلق شدن نه متخلق کردن

نکته دیگر این که ما متخلق شدن داریم نه متخلق کردن. متخلق شدن از خود فرد می جوشد در حالی که متخلق کردن یعنی تأثیر بیرونی تا فردی منفعلانه اخلاقی شود. ما نباید به دانشجو بگوییم اخلاقی شو بلکه باید بگوییم اگر اخلاقی شدن خوب است خودت انتخاب کن اخلاقی باشی. امور تجویزی باید بستری برای متخلق شدن باشد همانگونه که تربیت امری شدنی است. تربیت تحمیلی و اجباری نیست.

۷- دوره های سنی تخلق به اخلاق برخلاف دوره های سنی آموزش علمی

نکته بعد که در اخلاق مهم است دوره های سنی است. در رشد عقل نظری هر چه سن بالاتر می رود فراگیری افراد بهتر می شود، اما در مورد اخلاق برعکس است. همه متخلق شدن ها به اخلاق باید در سنین پایین صورت بگیرد؛ هر چه سن بالاتر می رود اخلاقی شدن مشکل تر می شود. تحقیقاتی انجام دادم تا ببینم در سایر کشورهای دنیا چه برنامه هایی برای بالابردن منش اخلاقی در میان دانشجویان پزشکی برای اخلاق پزشکی وجود دارد، دیدم در این زمینه کار جدی انجام نشده است. اما کارهای بسیاری را مشاهده کردم که در زمینه اخلاق مند کردن دانش آموزان در مدرسه و یا اخلاقی شدن کودکان سه ساله دو ساله پنج ساله شده است. اخلاق یکی از مواردی است که باید از سنین پایین شروع شود؛ هر چه سن بالاتر می رود اخلاقی شدن سخت تر می شود.

۸- ضرورت تنوع روش ها

روش های تربیتی در این زمینه باید به گونه ای باشد که بستر را با انواع روش ها آماده کنیم تا افراد متخلق به اخلاق شوند. این روش ها بسیار متنوع است. ما اساتید دانشگاه، به علت ماهیت کارمان، بیشتر به تدریس و روش های تبیینی فکر می کنیم. گرچه این یک روش است ولی روش های متنوع دیگری نیز می تواند وجود داشته باشد. در کار تحقیقی که برای متخلق کردن دانشجویان پزشکی به اخلاق به عهده داشتم توانستم ۳۶ روش در این زمینه پیدا کنم. آیا اگر به دانشجو پند دهیم این کار را نکن این روش می تواند اثر گذار باشد؟ در این تحقیق نشان داده شده است که این روش ابتدایی در موقعیتی خاص تا یک حد به خصوص اثر دارد؛ این که ما به طور مستقیم به کسی پند دهیم این یک روش است. اما اگر برای متخلق شدن افراد بخواهیم کاری انجام دهیم باید از تمام روش ها به طور موازی استفاده کنیم. روش قدمای ما این گونه بود که می رفتند بالای منبر پند می دادند و توصیه اخلاقی می کردند روش های دیگر را به کار نمی بردند. روش های دیگری مانند الگو ساختن، جلسات بحث و گفتگو تشکیل دادن یا تربیت حین مشارکت های اجتماعی، روش های متنوع دیگری هستند که می توانند به کار گرفته شوند.

پس باید به تنوع روش ها توجه شود و در یک روش نمانیم؛ حتی روش های کم اثر را هم حذف نکنیم. در مواردی تبیین های اساسی برای انجام یک کار خیر صورت پذیرفته است (روش تبیینی) ولی بازهم انجام خیر اخلاقی تحقق پیدا نمی کند. این یعنی باید از روش های دیگر برای تخلق به اخلاق استفاده شود. مثلاً خودمان از کسانی درخواست می کنیم که برای یک امری که قبول داریم ولی انجام نمی دهیم، انگیزه لازم را به ما بدهد. او می پرسد مگر قبول نداری می گوئیم قبول داریم ولی تنبه لازم را ندارم یا نیاز دارم شخصی راهی را نشان دهد که این حساسیت اخلاقی در من زیاد شود. این همان کارکردی است که موعظه و تکرار یادآوری ها دارند. ما بعضی وقت ها خودمان احتیاج به موعظه داریم بعضی وقت ها خود ما نیاز به تنبیه داریم.

۹- توجه به حسن فاعلی

نکته دیگر اینکه در نگرش اسلامی به اخلاق، حسن فاعلی اهمیت دارد. ما در متخلق کردن افراد بیشتر به حسن فعلی فکر می کنیم. اگر در دانشگاه هیچ دانشجویی دروغ نگوید دانشگاه را اخلاقی می دانیم در حالی که بین اینکه دانشجویان از ترس دروغ نمی گویند با اینکه برای رضایت خداوند دروغ نمی گویند فرق بسیاری وجود دارد. در اخلاق اسلامی به حسن فاعلی خیلی توجه شده است. بنابراین باید روی انگیزه ها هم کار کرد نه فقط بر صرف رفتار اخلاقی.

۱۰- کم اثر بودن برنامه های از بالا به پایین

نکته دیگر این که برنامه هایی که از بالا به پایین ابلاغ شود نمی تواند تأثیر گذاری لازم را داشته باشد. ارائه یک طرحنامه برای اخلاقی کردن دانشگاه هم می تواند یک برنامه از بالا به پایین باشد. لذا باید حواس مان باشد تا باید اخلاق از دل خود دانشجو نشأت بگیرد. جناب آقای دکتر قراملکی روش بسیار خوبی برای ارتقا اخلاق کاربردی انجام می دهند. ایشان وقتی می خواهند مرامنامه یا دستورالعمل های اخلاقی را برای یک سازمان تدوین کنند افراد آن سازمان را جمع می کنند و با تبادل نظر با آنها اتفاق نظری درباره رفتارهای اخلاقی بوجود می آورند. بدین ترتیب مرامنامه بدست آمده مرامنامه ابلاغی ایشان به افراد نیست بلکه مرامنامه ای است که خود افراد بدست آورده اند و تأکید کرده اند باید اینگونه رفتار کنند. برای ارتقا اخلاقی دانشگاه بهتر است دانشجویان را جمع کنیم و بگوییم به نظر شما دانشگاه چگونه باید باشد، استاد چگونه باید باشد، دانشجو چگونه باید باشد. از خود دانشجویان اقرار می گیریم خودشان را درگیر مسأله می کنیم که مرام نامه اخلاقی برای خودشان بنویسند.

۱۱- ضرورت ارائه برنامه زمان مند عملیاتی در یک فرآیند زمانی

اگر برنامه ای تعاملی برای متخلق شدن در دانشگاه در نظر داریم بدانیم متخلق شدن یک فرآیند طولانی مدت است و با اقداماتی که بتواند به یکباره با یک روش مؤثر باشد نیست. لذا باید هم تنوع روش ها و هم تداوم زمان مندی از برنامه ها داشته باشیم. لذا اگر در نظر است رشد اخلاقی صورت بگیرد باید برنامه زماندار از اقدامات متنوع برخاسته از روش های گوناگون در یک فرآیند زمانی مدت دار ارائه نمائیم که معلوم شود در هر زمان چه کسی و در کجا و به چه صورتی باید چه اقدامی را انجام دهد.

۱۲- ارزیابی اخلاقی

مسأله بعد مسأله ارزیابی اخلاقی است. فرض کنید کسی می خواهد بیاید این جلسه ببیند آیا این جلسه ملاک های اخلاقی رعایت شده است یا نه. برای ارزیابی هر موقعیت انسانی ارزیابی ها به این سادگی نیستند چرا که اخلاقی بودن صرفاً از روی آثار فهمیده نمی شود. باید بتوانیم راه هایی برای ارزیابی و یا حسابرسی اخلاقی یک سازمان یا یک مجموعه یا یک فرد داشته باشیم. یکی از راه ها آن است که مجموعه ای از رفتارها را معین کنیم و با تیک زدن به هر یک از آنها به میزان اخلاقی بودن پی ببریم ولی تشخیص بسیاری از امور اخلاقی بسیار مشکل است. این کار، ارزشمند ولی سخت است که فعالیت های کمی حول و حوش آن انجام شده است و می توانید کار بدیع و ارزنده ای برای کشور باشد.

تکمله

تفاوت اخلاق و آداب:

باید بین اخلاق و آداب تمایز قائل شویم. یک اخلاق داریم یک آداب. بسیاری از اموری که دستورهای تجویزی می گیرند از سنخ آداب هستند و نه اخلاق. درست است که آداب مبتنی بر یک یا چند معیار اخلاقی هستند، ولی نمی توان آنها را در سنخ اخلاق آورد. آیا بردن موبایل سر کلاس درست است یا غلط؟ موبایل بردن که کار اخلاقی نیست اما یک سری دستورهای اخلاقی دارید مثل توجه به حرمت کلاس که می تواند بر مبنای آن، آدابی برای استفاده از موبایل در کلاس و دانشگاه تنظیم کرد. دانشجو مثلاً باید خودکار و مداد همراه داشته باشد این که بحث اخلاقی نیست، بلکه آداب حضور دانشجو در دانشگاه است.

دشواری درک مسئولان از اهمیت ارتقا اخلاقی

من می خواهم تجربه ناموفق خودم را بگویم. معاون آموزشی دانشگاه صنعتی شریف از من خواسته بودند که برای ارتقا اخلاقی دانشگاه (دانشجو، استاد و کارمندان) طرح نامه ای تنظیم کنم. پس از تنظیم طرح نامه جلسه ای گذاشته شد تا سایر مسئولان دانشگاه آن را تأیید کنند. اولین مسئله ای که مطرح شد این بود که چطور می خواهیم مسئولان اجرایی را قانع کنیم که این کار ضرورت دارد. دوم این که خوب حالا مرام نامه نوشتید که چه شود؟ آن ها می گفتند آقا یک کاری بکنید که در نهایت ما ببینیم مثلاً دانشجویان کمتر سیگار می کشند. با این که خودشان سفارش داده بودند ولی زیر بار نمی رفتند. دغدغه جدی آن است که بتوانیم با کارفرما وارد گفتگو شویم و او را قانع کنیم. این یک چالش بزرگ در آینده خواهد بود و باید از الان فکر کنیم چطور این چالش را حل کنیم.

یک تجربه دیگر من در سال ۱۳۸۸ بود. وقتی در آن سال مسئولیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به من سپرده شد، نزد معاون پژوهشی وزارت علوم رفتم و پیشنهاد کردم ضرورت دارد برای پژوهش کشور مطالبی درباره اخلاق پژوهش تنظیم کنیم. ابتدا هیچ شناختی از اینکه چگونه می توان برای پژوهش اخلاق نوشت نداشتند و صرفاً به خاطر اعتماد به من قبول کردند تا ببینند نتیجه کار چه خواهد شد. بعد که ما به تدریج کتاب ها را انتشار دادیم ادبیات موضوع زیاد شد خودشان شروع کردند به نوشتن مرام نامه های اخلاقی در پژوهش.